

# گزارش خشونت خانگی در سوئد، یک وظیفه شهروندیست

Photo: Gala2205/depositphotos.com

نعیمه دوستدار

یوزفین، معلم کلاس زبان سوئدی برای مهاجران، خاطرات زیادی از شاگردانش دارد که هر کدام به نوعی قربانی خشونت خانگی شده بودند. او و همکارانش، بخشی از زمان خود را صرف پیگیری این موارد و گزارش‌دهی به نهادهای مسوول می‌کنند؛ امری که برای جامعه سوئد یک مداخله مزاحم نیست و یک وظیفه شهروندی به حساب می‌آید.

یوزفین می‌گوید تعداد موارد خشونت خانگی در میان مهاجران کم نیست و گاهی نتایج بدی هم دارد، چون اغلب این زنان به محض ورود از حق و حقوق خود آگاه نیستند و ممکن است سال‌ها تحت خشونت باقی بمانند. با این حال، یوزفین تأیید می‌کند که مردان سوئدی هم از خشونت مبرا نیستند: «بقایای عادت به خشونت علیه زنان هنوز در آن‌ها هم پررنگ است اما فرقی این است که آن‌ها می‌دانند در صورت اعمال خشونت، سر و کارشان با قانون است.»

کشورهای اسکاندیناوی به برابری حقوق زنان و مردان شهرت دارند اما برای بسیاری مطلع شدن از آمار خشونت خانگی در این کشورها تعجب‌انگیز است. کشور سوئد که خود را کشوری فمینیست می‌خواند، آمار قابل توجهی در خشونت علیه زنان دارد که بر اساس تحقیقات انجام شده، دلیل آن گزارش‌دهی گسترده زنان از موارد خشونت خانگی و گسترش شمول آزارهای خانگی نسبت به دیگر کشورهای اروپایی و جهان است.

سال ۲۰۱۰ در سوئد، بیش از ۷۲۰۰۰ مورد خشونت علیه زنان بالای ۵۱ سال گزارش و ثبت شده است و به طور متوسط سالانه در حدود ۶۱ زن توسط مردی که با او روابط نزدیکی در گذشته داشته و یا اکنون دارد، به قتل می‌رسند. تنها طی سال گذشته میلادی، ۵۳ هزار مورد خشونت گزارش شده است. این رقم انواع خشونت از جمله آزار کودکان را شامل می‌شود.

بیشتر بخوانید:

## [تجاوز و خشونت خانگی در قلب اروپا](#)

### [از سوختن تا سوزانده شدن](#)

### [سوئد چگونه به جنگ خشونت خانگی رفت؟](#)

برای تحقق برابری جنسیتی و مقابله با خشونت خانگی، ۲۰ سال پیش سوئد اقدام به تصویب قانونی برای مبارزه با خشونت خانگی کرد. سال ۱۹۹۱ پارلمان سوئد، قانون مبارزه با خشونت علیه زنان را تصویب کرد که حاصل کار پنج ساله دو کمیته تحقیق درباره خشونت علیه زنان و سو استفاده جنسی از زنان در جامعه سوئد بود.

اکنون به دنبال سال‌ها تلاش فعالان مدنی، افشای خشونت خانگی دیگر به اندازه گذشته تابو نیست و زنان کمتری خشونت را سالیان سال پنهان می‌کنند. اداره پلیس نه تنها آزارگران خانگی را تحت تعقیب قرار می‌دهد، که پخش ویدئوهای افشاکننده بخشی از برنامه پلیس سوئد برای مبارزه با خشونت خانگی است.

پلیس اعلام کرده پخش این ویدئوهای افشاگر نتیجه‌بخش بوده است. به نظر مقامات پلیس، تعداد بالای گزارش‌های رسیده به پلیس از خشونت خانگی، این موضوع را نشان می‌دهد که خشونت خانگی دیگر یک مساله مخفی نیست.

هلن فورسبک، از هیات مدیره پلیس ملی سوئد، در مصاحبه‌ای گفته: «ابهامات زیادی در مورد تعداد این‌گونه شکایت‌ها وجود دارد، اما مسلم است که موارد گزارش‌شده خشونت علیه زنان در دهه اخیر افزایش داشته است. فکر می‌کنم این موضوع بیشتر به دلیل بالا رفتن آگاهی و حمایت در سطح ملی از قربانیان است. زنان اکنون جرات می‌کنند به پلیس مراجعه و رسماً شکایت کنند.»

بر اساس قانون مبارزه با خشونت خانگی سوئد، مردی که در یک رابطه نزدیک، زنی را مورد خشونت قرار دهد، به خاطر سلب شدید آسایش زن به مجازات محکوم خواهد شد. در مورد نزدیکان دیگر نیز، فردی که مرتکب خشونت شده به دلیل سلب آسایش، محکوم می‌شود. کسی که در یک رابطه نزدیک از خشونت استفاده می‌کند، می‌تواند به دلیل ضرب و شتم یا تهدید نیز محکوم شود.

در کشور سوئد، اغلب مراکز کمک‌های فوری به زنان توسط سازمان‌های غیردولتی و با کمک افراد داوطلب، اداره می‌شوند و مراکز کمک‌های فوری به زنان و حتی دختران، در تمام کشور وجود دارد. درباره این مراکز می‌توان در این [وبسایت](#) اطلاعات بیشتری به دست آورد.

اداره خدمات اجتماعی بیشترین مسولیت را برای ارائه کمک به کودکان، زنان و مردانی که با خشونت از سوی نزدیکان زندگی می‌کنند، بر عهده دارد. کمون‌ها نیز مسولند که به زنان و کودکانی که مورد خشونت قرار گرفته‌اند، در خانه‌های امن پناه بدهند.

بر این اساس در بسیاری از کمون‌ها، دایره بحران وجود دارد که به زنان و کودکان خشونت‌دیده، کمک می‌کند. دایره بحران ویژه‌ای نیز وجود دارد که به مردان کمک می‌کند تا دست از خشونت بردارند. برای کسی که مورد تهدید و خشونت قرار گرفته و به کمک احتیاج دارد، تماس با خط تلفنی آسایش زنان راهگشاست. خط تلفنی آسایش زنان همیشه آزاد است و زنگ زدن به آن تلفن هزینه‌ای در بر ندارد. حتی لازم نیست که فرد هنگام تماس نام خود را بگوید و خود را معرفی کند. در وبسایت خط تلفنی آسایش زنان، اطلاعات مربوط به این موضوع به زبان‌های مختلف وجود دارد.

زنان در معرض خشونت می‌توانند به مرکز Terrafem (شماره تلفن: ۰۱۰۱۲۵ - ۰۲۰) نیز زنگ بزنند. کارکنان این مرکز به ۰۵ زبان خدمات ارائه می‌دهند. تماس با این مرکز در روزهای عادی هفته از ساعت ۸ تا ۷۱ ممکن است و تلفن این مرکز هم رایگان است. همچنین این امکان وجود دارد که فرد تماس‌گیرنده نام و شماره تلفن خود را بگذارد تا کارکنان Terrafem به او زنگ بزنند.

مرکز کمک‌های فوری به زنان (kvinnojour)، نیز سازمان دیگری است که کمک و پناه در اختیار زنان و کودکانی می‌گذارد که در روابط نزدیک مورد خشونت قرار گرفته‌اند.

---

## [خشونت خانگی و زنان مهاجر](#)

عکس: [hikrcn](#) /Bigstock.com

محسن فرشیدی

حداقل پنجاه درصد از جمعیت مهاجرین جهان را زنان تشکیل می‌دهند. زنان نیز مانند مردان به دلیل نقض حقوق بشر از جمله بیکاری، فقر، گرسنگی، جنگ، شکنجه، فقدان آموزش، مراقبت‌های پزشکی، عوامل ناشی از تخریب محیط زیست و غیره تصمیم به مهاجرت می‌گیرند.

اما دلایل مهاجرت زنان در بسیاری مواقع به همین موضوعات ختم نمی‌شود و مواردی از جمله سنگسار، تجاوز، مثله جنسی (ختنه)، اجبار به رابطه جنسی، سقط جنین اجباری یا جلوگیری از آن، ازدواج اجباری و مواردی از این دست نیز از دلایل دیگر مهاجرت زنان است.

هر چند برای عموم مردان مهاجرت برای تغییر شرایط زندگی و آینده بهتر صورت می‌گیرد، برای بسیاری از زنان صرفاً خروج از وضعیت موجود دلیل اصلی مهاجرت است.

### **خشونت، یکی از دلایل اصلی مهاجرت**

یکی از دلایل مهم مهاجرت زنان خشونت است. خشونت به شکل‌های مختلف زنان را مجبور به ترک خانه، اجتماع و کشور می‌کند.

خشونت در اجتماع می‌تواند آزار و اذیت خیابانی باشد و یا در وسعتی بزرگ و فراگیرتر در جنگ نمود پیدا کند. در بسیاری از جنگ‌های معاصر خشونت و تجاوز علیه زنان به عنوان یکی از روش‌های سیستماتیک تحقیر و شکنجه بوسیله نیروهای نظامی مورد استفاده قرار گرفته است. خشونت در خانه نیز به شکل‌های مختلف از جمله خشونت‌های اقتصادی، جسمی، روحی و روانی صورت می‌گیرد.

میزان خشونت خانگی برای زنان در برخی مواقع تا اندازه‌ای زیاد می‌شود که گزینه دیگری جز مهاجرت برای آن‌ها باقی نمی‌گذارد.

اما در بسیاری مواقع، با مهاجرت نیز این خشونت‌ها پایان نمی‌پذیرد. بسیاری از زنان از نقطه آغاز مهاجرت، در طول مسیر و زمانی که به مقصد می‌رسند با شکل‌های جدیدی از خشونت روبرو می‌شوند.

## مهاجرت پایان خشونت نیست

زنان پناهجو وقتی به کشور مقصد می‌رسند اغلب آسیب دیده‌اند. اگر برای بسیاری رسیدن به مقصد، نقطه آغاز زندگی تازه باشد، برای بخشی از زنان ترمیم خشونت‌های گذشته گاه سال‌ها به درازا می‌کشد و بعد از مدت زمانی طولانی فرد می‌تواند زندگی جدید خود را از نو بسازد.

زنان چه در کمپ‌های پناهجویی باشند، چه به شکلی مستقل و یا تحت عنوان ازدواج زندگی جدیدی را در خارج از کشور آغاز کنند باز هم در معرض انواع خشونت‌ها قرار دارند. خشونت خانگی در میان زنانی که مهاجرت کرده‌اند در بسیاری مواقع پیچیده‌تر و دردناک‌تر از زمانی است که در کشور خود حضور داشته‌اند.

## وابستگی بیشتر، خشونت بیشتر

در کشورهای توسعه یافته که یکی از مقاصد اصلی مهاجران هستند، زنان مهاجر در قیاس با زنان جامعه میزبان بیشتر در معرض خشونت خانگی قرار دارند. نسرین افضلی کارشناس ارشد مطالعات زنان دلیل این موضوع را همراه بودن زنان در کنار مردان مهاجر از کشورهای در حال توسعه می‌داند.

وی معتقد است با توجه به اینکه در اکثر کشورهای در حال توسعه از جمله ایران نظام‌های مردسالار برقرار است و زنان وضعیت پایین‌تری از نظر اجتماعی و اقتصادی دارند، با مهاجرت نیز این فرهنگ و رسوم به همراه افراد مهاجرت می‌کنند.

اضافه بر آن زنان در کشورهای جدید معبود ابزارهای حمایتی خود مثل خانواده و نزدیکان را نیز از دست می‌دهند و سال‌ها زمان نیاز است تا جایگزینی برای آن‌ها پیدا کنند.

عموم زنان در سال‌های اول مهاجرت از قوانین، حقوق و مزایای کشور جدید بی‌خبرند و مجموعه این عوامل، وابستگی زن به مرد را بیشتر از گذشته می‌کند و این وابستگی به دلیل عدم سرمایه‌های اجتماعی، احساس بی‌پناهی در زنان مهاجر را تقویت می‌کند. در چنین شرایطی مردان آزارگر راحت‌تر و بیشتر می‌توانند زن را مورد انواع خشونت خانگی قرار دهند.

## تکرار نمی‌شود!

خشونت خانگی چه در میان زنان یک کشور، یا زنان مهاجر، به دلیل پیچیدگی‌های زیادی که دارد یکی از موضوعات مداوم گفتگو میان جامعه‌شناسان و فعالین حوزه زنان است.

نسرین افضلی در مقابل این پرسش که چرا زنان مهاجری که مورد خشونت قرار می‌گیرند همچنان در یک رابطه باقی می‌مانند می‌گوید: جایگاه اجتماعی زنان در چنین خانواده‌هایی پایین‌تر از مردان تعریف شده است.

به همین دلیل زن احساس می‌کند به مرد آزارگر وابسته است. همچنین مرد آزارگر معمولاً با جملاتی مثل "پشیمان هستم" و "یا" این آخرین بار است و تکرار نمی‌شود "سعی در راضی کردن زن را دارد و در واقع این چرخه خشونت هر بار با بهانه‌هایی از این دست و ابراز پشیمانی ادامه پیدا می‌کند. زنان خشونت دیده مورد حمایت‌های خانوادگی قرار نمی‌گیرند. ترس از انگ‌های اجتماعی در جوامع مردسالار نیز باعث می‌شود بسیاری از این خشونت‌ها علنی نشوند. نبود نهادهای حمایتی یا ناکارابودن آن‌ها و عدم اطلاع کافی زنان از وجود چنین نهادهایی نیز یکی از دلایل بیشتر ماندن آن‌ها در یک رابطه‌ی همراه با خشونت است.

## خشونت خانگی، امری خصوصی یا اجتماعی؟

خشونت خانگی به دلیل اینکه در خانه به وقوع می‌پیوندد و اغلب شاهی بر آن وجود ندارد و همچنین میان نزدیک‌ترین افراد به هم مثل زن و شوهر صورت می‌گیرد یکی از پیچیده‌ترین انواع خشونت است.

در سال‌های گذشته و با در نظر گرفتن پرونده‌های زیادی که در دادگاه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است، کشورهای توسعه یافته به این نتیجه رسیده‌اند که به قوانینی کاملاً متفاوت و مخصوص برای خشونت خانگی نیاز دارند و قوانین فعلی و عمومی کفایت نمی‌کنند.

نسرین افضلی معتقد است قوانین رایج دیگر جوابگوی این نوع خشونت نیست. این پژوهشگر مسائل زنان ادامه می‌دهد: اغلب زنان به دلیل ساختارها و فرهنگ مردسالار تمایلی برای گزارش خشونت به پلیس را ندارند و فرد خشونت دیده حتی بعد از رسیدگی حقوقی

فرصت و امکان جدا شدن از آزارگر را به سادگی پیدا نمی‌کند. کشورهای پیشرفته بعد از سال‌ها بررسی و تحقیق به این نتیجه رسیده‌اند که خشونت خانگی امری صرفاً شخصی و خصوصی نیست.

خشونی که در خانه صورت می‌گیرد ارتباط مستقیمی با اجتماع نیز دارد.

وی معتقد است که فرزندان تحت تاثیر مستقیم مشاهده خشونت‌ها قرار می‌گیرند و اضافه بر آن کارایی زنان مورد خشونت دیده در اجتماع به دلیل افسردگی و مشکلاتی از این دست نیز پایین می‌آید. همچنین امکان خشونت‌های شدیدتر و قتل‌های خانوادگی در ادامه یک رابطه همراه با خشونت وجود دارد و چنین مواردی امروزه موضوعاتی اجتماعی تعریف می‌شوند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سال به سال و با پیشرفت قوانین به تعداد کشورهایی که خشونت خانگی را امری خصوصی تلقی نکنند افزوده شود.

### **خشونت باید علنی شود**

در ماه‌های گذشته و در شبکه‌های اجتماعی بحث‌هایی پیرامون خشونت مردان کنشگر و روشنفکری که پایگاه اجتماعی بالایی دارند و مخاطبان زیادی آن‌ها را دنبال می‌کنند وجود آمده است. اغلب این مردان در سال‌های گذشته و به دلایل سیاسی مهاجرت کرده‌اند.

نسرین افضلی می‌گوید افراد مشهور در هر کجای دنیا دارای محبوبیت و پایگاه اجتماعی بالایی هستند و افکار عمومی به شکل پیش فرض آن‌ها را در موضوع خشونت خانگی مقصر نمی‌دانند.

زمانی که این خشونت‌ها در یک اجتماع سنتی و محافظه کار صورت بگیرد برای زنان مشکلات مضاعفی را ایجاد می‌کند که علنی کردن آن‌ها برایشان تبعات زیادی در پی خواهد داشت. اما در ماه‌های گذشته بوده‌اند زنانی که بدون در نظر گرفتن این موضوع، خشونت خانگی شریک زندگی خود را علنی کرده‌اند.

این پژوهشگر مسائل زنان معتقد است همواره به یک نفر اولی نیاز است و بعد از علنی کردن موضوع، تعداد افراد بیشتری نیز از خشونت خواهند گفت.

واقعیت این است که خشونت خانگی در هر خانه‌ای امکان دارد اتفاق بی‌افتد. برای اینکه آزارگران خشونت را امری خصوصی ندانند، علنی کردن خشونت‌ها میان خانواده و دوستان می‌تواند محیط امن خشونت‌گران که همان خانه است را ناامن کرده و به مرور میزان آن را کاهش دهد.

### **راهکارهای کاهش خشونت خانگی**

محیط‌های آموزشی و رسانه‌ها از مهمترین عوامل تاثیرگذار در پایان بخشیدن به خشونت خانگی هستند. نسرین افضلی کارشناس ارشد مطالعات زنان بر نقش رسانه‌ها تاکید دارد.

او می‌گوید تلویزیون، فیلم‌ها، تبلیغات و دیگر تولیدات رسانه‌ای نقش بسیار پررنگی در زدودن کلیشه‌های جنسیتی و در پی آن کاستن خشونت‌ها می‌توانند داشته باشند.

تصویری که رسانه‌ها از زن نشان می‌دهند او را از انسانیت تهی می‌کند و زنان به یک موجود جنسی که برای لذت مردان آفریده شده تبدیل می‌کند.

این تولیدات باعث کاستن استعدادها، عدم اعتماد به نفس و ظرفیت‌های انسانی زنان می‌شود و چنین رویکردی زمینه را برای خشونت علیه زنان تشدید می‌کند. اضافه بر آن انسان‌ها از همان سن کودکی و در محیط‌های آموزشی بسیاری از آموزه‌ها را فرا می‌گیرند. لزوم بازبینی کتب درسی، تغییرات در نظام آموزشی و رسانه‌ها و حمایت از زنان خشونت دیده می‌تواند به مرور زمان اعتماد به نفس را به زنان بازگردانده و در نهایت به کاهش خشونت‌ها منجر شوند.

### **نقش خانه‌های امن**

خانه‌های امن معمولاً به مکان‌های گفته می‌شود که به زنان خشونت دیده کمک و جای امنی را برای زندگی موقت آن‌ها ایجاد می‌کند.

به دلایل امنیتی آدرس این خانه‌ها معمولاً عمومی نیست. دولت‌ها و نهادهای غیرانتفاعی و مدنی در ایجاد چنین خانه‌هایی نقش دارند و سعی می‌شود با مشاوره به زنان، آن‌ها را به اجتماع و یک زندگی جدید بازگردانند. نسرین افضلی معتقد است تعداد زیادی از زنان مورد خشونت قرار گرفته دارای فرزند هستند.

تسهیلاتی مثل خانه امن که در اختیار زنان مهاجر قرار می‌گیرد کمتر به این موضوع توجه لازم را دارند، زیرا در این خانه‌ها یا فرزند را پذیرش نمی‌کنند یا برای کودکان امکانات بسیار محدودی دارند.

برای مادران خشونت دیده بسیار اهمیت دارد که فرزندانشان بتوانند به مدرسه بروند و در یک محیط طبیعی و اجتماعی و در کنار همسالان و دوستان خود رشد پیدا کنند.

عموما قوانین چنین خانه‌هایی سختگیرانه است و رفت و آمد در آن‌ها کنترل می‌شود و این عوامل باعث دور شدن فرزندان از اجتماع می‌شود و همین موضوع یکی از دلایلی است که زنان خشونت دیده و به خصوص مادران کمتر به این سازمان‌های حمایتی مراجعه کنند.

در انتها باید تاکید کرد اکثر زنان خشونت دیده چه در کشور خود باشند یا مهاجر، به مرور زمان اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند، در صورتی که در لحظه آغاز یک رابطه، این زنان دارای اعتماد به نفس بالایی بوده‌اند.

رفتارهای خشونت‌آمیز شخصیت یک زن را لگدمال می‌کند و باعث مشکلات فراونی از جمله اضطراب و افسردگی برای او می‌شود.

این عدم اعتماد به نفس و وابستگی با آزارگر نیز یکی از دلایل مهمی است که زنان خشونت دیده در یک رابطه باقی می‌مانند و چرخه خشونت تکرار می‌شود.

نسرین افضلی تاکید می‌کند؛ نقش اصلی خانه‌های امن و یا سازمان‌های حمایتی باید توانمند کردن زنان باشد و برای آن‌ها فرصت‌های شغلی جدید ایجاد کند. مشاوره‌های تخصصی، درازمدت و رایگان می‌توانند اعتماد به نفس را به زنان بازگردانده و مسیر یک زندگی طبیعی و به دور از خشونت را برای آن‌ها هموار کند.

---